

#### ■ سیدمحمد مدنی طهرانی

آغازین بخش از مقالی که در پی می‌آید را، روز گذشته از نظر گذراندید. در شماره پیشین داستان به اینجا رسید که در دهه ۶۰، حواشی شهید آیت‌الله مطهری بر کتاب اسلام‌شناسی دکتر علی شریعتی، توسط استاد ابوالحسنی (مژدر) در اثر «مطهری افشاگر توطئه» نشر یافت. اینک واپسین بخش از این مقاله که به بازخوانی دو واکنش متفاوت آقایان عبدالکریم سروش و رسول جعفریان نسبت به انتشار این حواشی می‌پردازد، در پی می‌آید. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

#### ■ اعتراض دکتر سروش به یادداشت‌های شهیدمطهری

در این اعتراض پیرامون چاپ یادداشت‌های استاد آمده است:

اشکال کار این است که متفکری را گرفته‌اند و با همان لباس‌های زیر از خانه بیرون کشیده‌اند... مرحوم مطهری مثل هر انسان دیگری برای خودش و بسا خودش حق داشته فکرهایی بکند، حق داشته به‌طور خصوصی روی کتاب‌هایش چیزهایی بنویسد تا اینجا هم هیچ اشکالی نیست این‌ها همان لباس‌های زیر است! اشکال این است که چیزهای خصوصی کسی را بدون اجازه او بردارند و چاپ کنند این غلط است. (متن سخنرانی دکترعبدالکریم سروش، نشر به دانشکده ادبیات مشهد، ش ۱ و ۲، سال ۱۳۶۶.)

#### ■ دکتر جعفریان: چنین تفکری از دکتر سروش، مطلقاً صحیح نیست!

به نظر ما چنین فکری مطلقاً صحیح نیست. اصولاً یادداشت علمی چیزی نیست که بتوان آن را به‌عنوان یادداشت خصوصی از میدان به در کرد و به تعبیری دیگر یادداشت‌های علمی جنبه خصوصی و عمومی ندارد. در اینجا چند نکته موردنظر است و آن اینکه:

##### دفاع از انتشار یادداشت‌های خصوصی

اولاً: خودم معترض، قسمتی از یادداشت‌های خصوصی استادمطهری را در پایان یادنامه آن استاد، جلد یک آورده‌ام. اگر بنا باشد مطالب دست‌نوشته کسی را انتشار ندهند، لزوماً کسی حق ندارد این نوع یادداشت‌ها را نیز منتشر کند. ثانیاً: اگر ایشان انشایی اندکی با اسناد و مدارک تاریخی داشتند و می‌دانستند که اصولاً در دنیا و اروپا و آمریکا، این یک عمل مجاز است که بعد از مرگ اساتید بزرگ و فیلسوفان، یادداشت‌های خصوصی و حتی نامه‌ها و... را انتشار می‌دهند. هیچ‌کس نیز تا به حال نسبت به این روش ایرادی نگرفته است تا دومی آن معترض محترم باشند.

ثالثاً: صحبت بر سر چیست؟ آیا بدین معناست که این نوشته‌ها دست نوشته استاد و معتقدات ایشان نبوده؟ یا اینکه انتشار آن مصلحت نبوده؟ باید مقصود ایشان قسمت اول نیست. در مورد قسمت دوم نیز نظر ایشان این است که مصلحت نبوده، اما نظر دیگران و از جمله کسانی که اجازه انتشار نوشته‌های استاد در دست آنهاست، این کار عین مصلحت بوده است!

رابعاً: اگر چنین عملی روان‌آلود، آیا نباید به ناشران آثار دکتر شریعتی نیز همین مطلب را گوشزد کرد که چرا بسیاری از کتب و آثاری که دکتر در این اواخر آنها را قبول نداشته و همچنین نامه‌های خصوصی ایشان را نشر داده‌اند؟ (البته نه همه نامه‌ها را بلکه آن مقدار که تشخیص داده‌اند باید منتشر شود). اگر چنین عملی نازاوست، در حق همه ناروا خواهد بود. نه در حق یک نفر که فعلاً قرار شده تا سخن او تنها در این زمینه نقل نشود.

#### ■ آیا یادداشت‌های شهیدمطهری احساسی و عاطفی است؟

تعجب این است که معترض محترم (دکتر سروش) آیا بی‌توجهی کامل به محتوای نقد می‌گویند؛ به علاوه، سخنان مرحوم مطهری هم در آن حواشی، عاطفی و احساسی است و خالی از استدلال! (همان، ص ۱۹۹) در این باره آنچه گفتنی است، اینکه اصولاً آیا می‌توان به هر حال قبول کرد که اینها نظرات استادمطهری (ره) نسبت به مطالب اسلام‌شناسی بوده است یا نه؟ با نگاهی به نوشته استاد، بساطح مثبت است، طبعاً در یک نقد کوتاه، جای این نیست که استدلال آورده شود. مهم این است که این دیدگاه‌های استاد مطهری است. دیدگاه‌های شخصی که به قول این معترض، آن مقدار تسلط بر فرهنگ اسلامی داشته و... فقه خوانده بود فلسفه و اصول خوانده بود یا قرآن و حدیث زندگی می‌کرد و تسلطی بر معارف و فرهنگ اسلامی داشت.» (همان، ص ۱۹۷)

برای اینکه مشخص شود این نوشته‌ها عاطفی و احساسی است یا نه؟ ذیلاً فهرست اشکالات استاد را که تنها بر دو درس از درس‌های اسلام‌شناسی است، مطرح می‌کنیم: در ابتدا برای اینکه زمینه بحث بهتر روشن شود، از قول آقای حسین دبّاج که گویا حشر و نشری با استاد داشته، موضع کلی استادمطهری را نسبت به برخی از مفاهیم فلسفی و دینی که توسط دکتر شریعتی در اسلام‌شناسی مطرح شده است، نقل می‌کنیم.

زمانی که «حامدالگار» در یک سخنرانی در لندن برخورد استادمطهری را یاد دکتر، روانی- چیزی نزدیک به حسادت - تحلیل می‌کند، آقای احسین ادباج می‌گوید: من از نزدیک با آیت‌الله مطهری در تماس بودم. ایشان مسائلی را به‌طور خصوصی با من در میان می‌گذاشتند. ایشان تمامی مفاهیم اساسی را که توسط دکتر شریعتی طرح و وارد فرهنگ ما گردیده است، نظیر دیدگاه‌های فلسفی و بالآخری برداشت او از توحید، مورد نظر نیست، بلکه ملاک فصاحت، سخنرانی‌ها مطهری این بود که شریعتی به مذهب تمسک می‌جست، به این معنی که مذهب را وسیله‌ای برای نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی تلقی می‌کرد. البته در اینجا نیات باطنی شریعتی مورد نظر نیست، سخنرانی‌ها و کتب اوست، بدین خاطر بود که علما چنین تصویری از شریعتی داشتند و علت اصلی کذبوت با آیت‌الله مطهری نیز همین مسئله بود. پس از آن چنین تصویری را لگال نیز تأیید می‌کند. (انقلاب اسلامی ایران، نشر قلم، ص ۱۱۸)

#### ■ شهیدمطهری و نقد مفاهیم اساسی در آثار دکتر شریعتی

همانگونه که آقای دباج گفته، استادمطهری، مفاهیم اساسی را که توسط دکتر شریعتی مطرح شده بود، مورد



رسول جعفریان

## درد

**رسول جعفریان** در پاسخ به عبدالکریم سروش: اگر ایشان آشنایی اندکی با اسناد و مدارک تاریخی داشتند بعد از مرگ اساتید بزرگ و فیلسوفان، یادداشت‌های خصوصی و حتی نامه‌ها را انتشار می‌دهند. هیچ‌کس نیز تا به حال نسبت به این روش ایرادی نگرفته است تا دومی آن معترض محترم باشند

بازخوانی مواجهه عبدالکریم سروش و رسول جعفریان درباره شهید مطهری و دکتر شریعتی – بخش پایانی

# جعفریان: اگر سروش اندکی با اسناد تاریخ آشنا بود، ایراد نمی‌گرفت!

استاد در ادامه می‌نویسد: نویسنده کور کورانه از منطبق مارکسیست‌ها پیروی کرده است...

##### ■ اعتراض به تندروی‌های دکتر سروش

این بود خلاصه‌ای از نقدی که استاد بر بعضی از کتاب اسلام‌شناسی داشته است. مطمئناً آنگونه که امثال آقای سروش آن را عاطفی و احساسی خوانده‌اند نیست، بلکه نقطه‌نظراتی منطقی و مستدل است. البته جای گفتن این نکته است که استادمطهری اگر می‌خواست در مآلعم چنین نقدی را انتشار دهد، بعضی از تعبیرهای تندرانی‌اش وارد، اما این دلیل بر آن نمی‌شود که اکنون چنین نقدی انتشار نیابد، زیرا خود استاد در همان نامه معروف که با مهندس بازرگان امضا کرده، اشاره به انحرافات در اندیشه‌های مرحوم شریعتی دارد که کتمان آنها نادرست بوده است و آیه‌الذین یکتُمون... شامل آنها می‌شود، گرچه از نظر گرایشات اسلامی او را تأیید می‌کند.

در اینجا یادآوری یک نکته ضروری است و آن اینکه آقای سروش که گویا نظرش را در مورد روابط استادمطهری و دکتر تغییر داده است، ضرورت نداشت اینچنین برخورد غیرمنطقی با مسئله انتشار یادداشت‌ها داشته باشد. متأسفانه ایشان با اینکه این همه بر بهان و استدلال تکیه داشته و طرفدار فکر و اندیشه است، در مواردی مخالف خود را به شدت با عناوین نامطلوبی مورد حمله قرار می‌دهد.

##### ■ نمونه‌هایی از تندروی سروش نسبت به کتاب شهیدمطهری افشاگر...

در اینجا حوصله استقصا نیست که بر برخی از این تندروی‌ها را از مقالات ایشان گردآوری کنیم. تنها یک مورد را (دقت کنید چند مورد در این دو مورد است) در باره همین کتاب مطهری افشاگر توطئه می‌آوریم، این در حالی است که ما خود در ابتدای این بحث اشاره کردیم که نحوه مطرح این کتاب از جهات متعددی نادرست است، اما اینک سخنان تند آقای سروش نسبت به مؤلف کتاب فوق:

نویسنده آن کتاب هم، چنانکه از مفاد بعضی پانویث‌ها برمی‌آید، با دسته‌ای مهر می‌ورزد که دیری است عشق فاشیسم و ولایت‌میلتری را در سرمی‌پروارند و کارشان لکه‌دار کردن شخصیت‌ها و پراکندن نفرت ضدیهودی و دامداری و قابل‌ر ناماینده عصر کشاورزی و مالکیت فردی می‌خواند، تأویلی شبیه تأویلات عرفا که به انکار از توجیه شبیه‌تر است...

# عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

## پیش‌خوانی

«قصه هویدا» در آینه یک باز تعریف تاریخی

## نخست‌وزیری بهایی برای کشوری مسلمان!

##### ■ قاسم تبریزی



کتاب حاضر سیری در زندگی، موقعیت تبار، کارنامه امیرعباس هویدا در تاریخ معاصر(۱۳۲۰-

۱۳۵۷) می‌باشد. نویسنده در طرح اول براساس اسناد، خاطرات، مطالعات کتابخانه‌طرح چهار جلد کتاب را پیش‌بینی نمود. اما متأسفانه طی بیش از ۱۰ سال فقط همین جلد در دسترس اهل تحقیق و مطالعه قرار گرفت. موضوعات عمده کتاب تبارشناسی، دوران تحصیل، مشاغل، قاچاق پاریس، هویدا در اشتوتگارت، در امور خارجه، هویدا و اسرائیل، هویدا در ترکیه، در شرکت نفت، همراه با حسنعلی منصور، کانون شرقی، حزب ایران نوین، وزارت دارایی، هویدا و مائیت، هویدا و فراماسونری، دولت محلل، هویدا و آمریکا، هویدا و انگلیس، ازدواج، خصلت‌ها و سرانجام...

محقق محترم میان هویدا در مطبوعات که از وی فردی خاص، مؤدب، خوش‌قلب، متواضع، دموکرات، صمیمی، منطبق با شاهرزاده، با می‌کند، در میان اسناد پرونده هویدا از این دست اسناد که ساواک جمع‌آوری کرده است، کم نیست. (هویدا به روایت اسناد ساواک دو

جلد) طی یک گزارش مفصل که به ساواک می‌رسد (۱۳۷۱/۱۱/۴۳) به بهایی بودن هویدا و اینکه جزو عمال اصلی صهیونیست در ایران است و حساسیت روحانیون نسبت به بهایی بودن وی اشاره شده است. اگر چه اسداله علم در خاطراتش می‌نویسد: «من نمی‌دانم هویدا از کجا تقویت می‌شود که اعلیحضرت به او این همه اهمیت می‌دهد.» در تاریخ(۱۳۷۲/۱/۱۲)



► امیرعباس هویدا در حاشیه یکی از بازدیدها در دوران نخست‌وزیری

در یک سند دیگر ساواک از آموزش و پرورش آمده است: «آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر پیرو مسلک بهایی است و انتخاب نامبرده به‌عنوان نخست‌وزیر مصلحت نبوده است.» در اسناد ساواک از این دست گزارش‌ها بسیار است. البته ساواک از همان سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۵۶ مرتب به هویدا تذکر می‌داد به شهرهای مذهبی سفر و در مساجد و مراسم ویژه انگلیس در ایران رفت و آمد داشت. او پس از کودتا مسئول کنسولگری ایران در دمشق بود. از این روی صدیقه دولت‌آبادی کنسولگری ایران را مرکز تبلیغات بهائیان در شامات معرفی می‌کند. او سفیر ایران در عربستان سعودی هم بوده است. در سال ۱۳۰۸ به تهران می‌آید، ولی به‌عنوان دیپلمات ایرانی بین حکومت سعودی و رضان خان بود. وقتی سردار اسعد دستگیر و راهی زندان می‌شود، عین‌الملک به‌به‌عنوان نماینده هویدا تأکید می‌شد و در نهایت محقق محترم در پنج محور بهایی بودن و حضور هویدا و مادرش در محافل بهائیان قبل از نخست‌وزیری را مستند بیان می‌کند. در مورد فراماسون بودن و عضویت هویدا در لژماسونی نیز نویسنده یک بحث مختصر و مستند ارائه می‌دهد که نه‌تنها خود که بستگانش نیز عضو ماسونی بودند. وی و دکتر سعید مالک حنسی از او به‌عنوان یکی از استادان لژ فرماسونری وابسته به لژ اعظم اسکاتلند نام می‌برند. در کتاب «اسناد فراماسونری» که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر کرده است، اسامی وزرای ماسون دوره پهلوی ذکر شده‌اند، اما در کتاب اسناد فراماسونری با توجه به تغییر وزرا... اسامی دیگر هم وجود دارد. اما آنچه به‌عنوان فصل پایان کتاب بنا عنوان

سرتاجم آمده سیری در دولت کانون مترقی و خاصه هویدا وضعیت و کارنامه او تا پایان نخست‌وزیری دستگیری‌های دولت هویدا و شخص هویدا، افشاگری‌هایی که خاصه عملکرد منفی در ۱۶ محور اتهامات وارده بر هویداست.

هویدا تحصیلات را در مرده آلیانس جهانی اسرائیل گذراند و سپس به عضو شورایی امریکایی صهیونیسم موسوم به AZL در آمد، لذا در دوران نخست‌وزیری‌اش روابط ایران و اسرائیل و فروش نفت به اسرائیل آغاز شد. به همین خاطر دولت اسرائیل ۱۴۰ هزار مترمربع از فلسطین اشغالی را به هویدا هدیه داد! او رابط تشکیلات بهائیت در ایران و اسرائیل، خاصه بیت‌العدل در عکا بود. روابط نزدیک سفیر اسرائیل با شخص هویدا، تا آنجا بود که گویی هویدا خود از شهروندان اسرائیل است. البته اسناد ساواک خود مؤید